

نازان

عرا ور، اردلان

نازان، ما را زین کشش و کالت و ک وفی راست که با لوص روحانی و فنی که دارد، ال و، لوه و مظهری از جلیون ت ومعون ت حضرت مسح(ع) را در رفتار و نش و ش اراه می دهد بهم ن سبب باست گاه مسح ت زمان ود که روح از مسح(ع) ولتع مات عرفانی و لسان ساز او دور و به عا ت ظواهرم ان تهی و ادتشرک لات ظده بس ندمکردن، درتض اداست.

از نازان (هرمان داستات) در سملی که دد می آد روح های جول مردانه و دس مآبانه بروز می کند، به ونه که عدله او را بی مان قفسی زور وارم ولند و معی که ادر به نو الای ی ل ن شخ ت ستن د، ح هباز ون ادلش می ندارند.

لسیتان کش و وسهای فل دارد که به مفلبت آن نوسنده کتاب، ح و اتی امبر ونه را از هرمان لسیتان لئی ار م سازد.

نا ه که درباره نوسنده پو ش فتار کتلیب ان شده، راهنما ی است برای نو ان لب که محمل دد آمدن ن رمان چه بوده است، وپ ار بی و هم ون منها د که ازب ن الدوس که همواره نسبت به سوعلقه اده از اتدار مذنبی شم ن و معترض بوده، نازان فلنی ده ش ود؛ هرمانی معنو و سلح شور از ار نور که با نش و رفتار نی بانه ی ادع و ش ل د راتهیل ی هاسمی زد و در جام عس ی اه و مزور آن رو نیو پانی و ن ستاره اهدت گر م در شدوال هی از نک محض را به نمای شم دارد.

الدوس در واع صدس نگر دن اعی ادات مذنب ی نی ادها گیی سا را ننتل ت بلکم کوشی د تا رهبر لن نی راتشو ند که علی کردشان در راستای مفلح معنو و ماد امع با شدی با و ود ن، نظارتی که در ش فتار کتاب در صوص نازان م رح شده سبب اد نوعی ابهام و دشوار شدن ارزش ماهوی او رده است.

ام سه او با دکی شوت- هرمان رمان درک شوت سرلنتس- ولنده را از ش صت او عی هرمان لسیتان و ی امی که منظور نویسنده بوده است، دور می کشا لب توان ازل ح ل لب و فرمی که دو نوسنده برای رورش ش صت مور دن نظر ودانت اب کردن د، شبتهای ی را ال شد، ول یچن ی و و مت شابهی را نم توان فیا د به هرمانان دو لسیتان تعم م داد؛ ال رداز و اندن نازان بهمانند درک شوت ص ح جنس ت.

نا ه از نازان سرزده بر مبنای ک باور عم و فس ف ر ادولو ک بوده است. باوری از آن نوع که با تمام و ود درک شده است و در تمام و ارح، اعضا وحتی تک تک سلول های لسان اثر می دارد، اتصلای به مبدأ ی و کسب الهام و دد آمدن ن در هر نفس و لحظه لحظه زنی ی.

تصور می شود منظور و هدف الدوس ازل رمان نازان اراه و معوی ش صی بوده کفع ارهایی ک و بب برای او نه من ارهای ارادادی بلکه و دان زنده و ان آزاد اوست.

ن ز فردی را ال رداز و اندن نه تنهامرخص فلیه سرت بلکه نفج عو لرت، ون عرفا عمدتیل ن بوده اند و شسته از اتلاف ظاهری که بر حسب زمان و کبان زست و ملاحظات با کد ر نش تلند، و مره و سمت و سوی معنوی حرکتشان کسان بوده است. و اندن ان ل و سعی در در کمف موم و ام معنوی آن و تلسی و تشبث به مسح(ع) و تلاش در راستای «ون او شدن» را نمی توان ال ردازی و اند که مسح فلله سالار ان و ماست و عرفای

مسحی مشرب از اوال برداری کرده و می‌کنند، با شرح و توضیحی که ذکر ردد نم توان برای لشدن شباهت بن نازاری و رنس پیشکش نش ص ت لیلی رمان بلاله سفا ویرکی که در م دمه متر م محترم بهن حوضع فتری نسبت به آن اشارت فته است هم اعتبار ندلی ل شد.

تفاوتی اسراسی و ود دارب ن کسی که با وجیه ره و آلوده درون بو رون از وجود خودآ اهانه مبارزه می ند و با تحمل شداد وصا ب در راستایر ا عظم رلیتی و صفا و سا ی گام می‌نده، تاش ص که به صورت طبیع و مادرزاد حامل نوعی سلی من فعل وب ل اثر لرت؛ که سا عارفانه دگراست و س ادلوح دی ر.

درکتب و تذ هله ی که در صوص عرفا و یس ن نیلن ته شده است تهنس تها نظی نازاری بیی اری دم شود، از مله فرلیس سیل یز یس ی هی کوس کازالتر ی سوزن نامه او را در رمان هی نده راه ح تعوی ر رده لرت؛ که شلی د شب تری ن شخ ی ت به ناز ن مورد بحث بلد، چه از لحاظ وجوه ظاهری ون حوه زست ی ه هر دو کثری ش و کاتلوی بودند وف رانه زنی ی م رند و چه انج ث زو بروز معرفیات روح و دون در جای از کتاب هی نده راه ح ، فیلن س به صورت بطن مأوری تم ی ابد که انز ار را که نسبت به لم ی ان ثلث در ود از بی ن ببرد، که انز ار ونفرت نه کار مردان ثلث. اوبرا ا رای یلن امرمل کوتی بر سر راه لمی ان منتظر مشین ی ند وآ وش خود را بر رو اولی ن جذام مینا دو باعش و بدون ی اکراه او رام بوسد آی او هم دچارت ل بود، یا انکه عش ال هی ران نسبت به قلق خنلر ن رده وم آموت.

کلی تهالی نظی رلین در صوص مردان خدا و آنان که اهل رورشف رت انبانی خود بودند، اعم از مسلمان و مسیح و بودای و بیی ا راست، چنان ه آن کری م بدون درنظر فتن یلن نوع انتسابات و در صوص نوع بش ر فرموده است: فداذا سه غته ونفختف ه من روح ... بلخ / 29 عن چون فرآی رشش را به پای ان بدم و از روح خود در آن دم ی دم...

ا گاه و ریپا نازاری ن ریا در ان گونه م کانه است و جو کرد، به ونه ای که او دم ام و مقعی یخ ی خود رار ی رد و با وسیتان خود محشور شود.

در پاکان یاید از متر م محترم کتاب در دل سب ار نمود که رمانی رومن د و ضوس نده ای تون را انبیا سات ان ا به امعه ادب ران معوف ن مودند و ای دارد کصل رلم در ا در بلی و رصم کله ای کاو هم ی رعبلن بلتی مه پیشان ما را با آثاری دی ر بلنی یوت رث الدوس آشفا ند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی